

نکته ۱:

مرحوم بروجردی^۱ صراحتاً به دو مقام حجّیت (حجّیت در مقام شناخت حکم کلی و حجّیت در مقام انطباق بر افراد خارجی) اشاره دارد.

نکته ۲:

مرحوم سید مصطفی خمینی در استدلال به نفع «سرایت اجمال خاص به عام» به نکته‌ای اشاره دارد که می‌تواند بیان عرفی از نکاتی باشد که تاکنون در ضمن فرمایش امام به آنها اشاره کردیم.

توجه شود که این نکته می‌تواند به نوعی پاسخ به این سوال باشد که چرا که نحوه جریان اصالة الظهور را مطابق با نظر حضرت امام (و مشهور) به حساب آوریم و آن را مطابق عقیده نهاوندی جاری نکنیم. ایشان در این مورد به فهم عرفی تمسک می‌کنند:

«أنّ بناء العقلاء و أهل العرف في القوانين العرفيّة على تعنون العمومات بعناوين المخصّصات، و الإخبار عن مرام المولى بعد ذلك، و أنّ المولى أوجب إكرام العلماء غير الفاسقين، من غير النّظر إلى مفهوم الخاصّ إجمالاً و تفصيلاً، فيلزم سقوط العامّ، لرجوع الشكّ و الشبهة إلى الشكّ و الشبهة الموضوعيّة لنفس العمومات.»^۲

ما می‌گوییم:

۱. این نکته را برخی از بزرگان در حاشیه نه‌ایة الاصول (تقریرات مرحوم بروجردی) به بیان دیگری مورد اشاره قرار داده‌اند:

«ان أصالة التطابق أصل عقلائی و لیس حجّيتها الا من جهة السيرة فحيث اعتبروها عملنا بها و حيث ردوها أو شككنا فی اعتبارهم لها رددناها»^۳

۲. ماحصل این سخنان (اگر بخواهیم آن را کامل‌تر بیان کنیم) آن است که اصالة الظهور (یا اصالة التطابق و یا اصالة العموم) در کشف مراد متکلم جاری می‌شود و عرفاً این اصل در جایی که خاص منفصل جاری باشد، تا قبل از تخصیص جاری نمی‌شود.

۱. ن.ک: لمحات الاصول، ص ۳۱۹

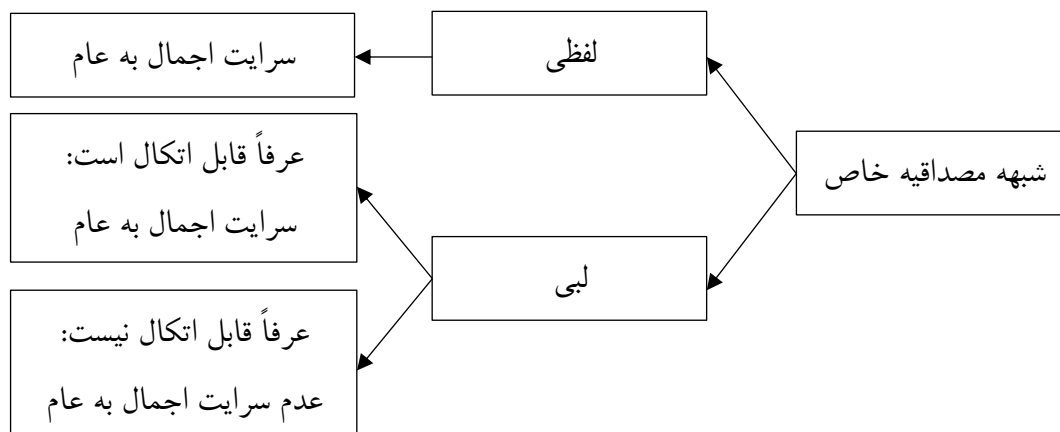
۲. تحریرات فی الاصول، ج ۵، ص ۲۳۶

۳. نه‌ایة الاصول، ص ۳۳۱



نه) کلام مرحوم شیخ در شبهات مصداقیه مخصص لبی

۱. در ابتدای طرح بحث از مرحوم آخوند خواندیم که ایشان بین مخصص لفظی و لبی فرق گذاشته بود



۲. ما گفته بودیم که آن دسته از مخصص‌های لبی که عرفاً می‌توان در هنگام تکلم به آنها اتکال کرد، از زمره مخصص‌های متصل محسوب می‌شود.

۳. در توجیه اینکه چرا بین این دو نوع مخصص لبی فرق است، ۳ نوع بیان را مطرح کرده بودیم^۱ که ظاهرترین آنها فهم عرفی بود (که آنفاً در کلام محشی نه‌ایه الاصول هم مطرح شده است)

۴. مرحوم نایینی ابتدا می‌نویسد:

«و اما إذا كان المخصص لبياً من إجماع، أو عقل ضروري، أو نظري، فقد تداول في لسان المتأخرين جواز التمسك بالعام عند الشبهة المصداقية فيه. و الظاهر: أن أول من أفاد ذلك هو الشيخ (قده) على ما في التقرير، و تبعه من تأخر عنه، هذا»^۲

۵. مرحوم بروجردی اشاره می‌کند که بین کلام مرحوم شیخ و آنچه آخوند فرموده است، تفاوت است. چرا که ملاک در کلام مرحوم آخوند «امکان عرفی اتکال به دلیل لبی» است، در حالیکه ملاک در کلام مرحوم شیخ چیز دیگری است.^۳

۶. نکته مهم آن است که عبارت مرحوم نایینی به گونه‌ای است که گویی مرحوم شیخ همه مخصص‌های لبی را یکسان می‌داند و در همه آنها قائل به تمسک به عام است، در حالیکه چنان که خواهیم خواند، مرحوم شیخ در مخصص‌های لبی تفصیل می‌دهند. (اگرچه تصریح دارند که قالب مخصص‌های لبی، بدون عنوان هستند)

۱. ن.ک: ص ۹۰ در ستامه سال چهاردهم اصول

۲. فوائد الاصول، ج ۲، ص ۵۳۶

۳. نه‌ایه الاصول، ص ۳۳۳



۷. مرحوم بروجردی (مطابق نقل حضرت امام) کلام مرحوم شیخ را چنین تقریر کرده است:

«فیظهر من تقریرات العلّامة الأنصاری رحمه الله: أنّ جواز التمسک و عدم جوازه، مبتنیان علی معنویّة المخصّص بعنوان خاصّ، کعنوان الفاسق و عدمه، مثل ما إذا أخرج ذوات الأفراد من غیر عنوان، فلا يجوز علی الأوّل، دون الثانی. ثمّ قال - فی ذیل کلامه -: إنّ الغالب فی المخصّصات اللفظیّة هو الأوّل، و فی اللّبیّة هو الثانی، كما إذا قال المولی: «أکرم العلماء» و علم المکلف بعدم إرادته إکرام عدوّه»^۱

۸. عبارت مرحوم شیخ چنین است:

«أنّ التخصیص تارة یوجب تعدّد الموضوعین و تنويعهما، کالعالم الفاسق و العالم الغیر الفاسق مثلاً. و اخرى لا یوجب ذلك، كما إذا لم یعتبر المتکلم صفة فی موضوع الحکم غیر ما أخذه عنوانا فی العامّ و إن علمنا بأنّه لو فرض فی أفراد العامّ من هو فاسق لا یرید إکرامه. فعلی الأوّل: لا وجه لتحکیم العام، لما عرفت فی الهدایة السابقة، و أغلب ما یریدون ذلك إنّما هو فی التخصیصات اللفظیّة. و علی الثانی: یرجع تحکیم العامّ و أغلب ما یریدون ذلك إنّما هو فی التخصیصات اللّبیّة»^۲

۹. مرحوم شیخ در ادامه به دو دلیل بر مدعای خود اشاره می‌کند که بعداً مستقلاً به آنها خواهیم پرداخت.

۱۰. مرحوم بروجردی بر مرحوم شیخ اشکال کرده است:

«أنّه لو لم یکن المخصّص اللّبی معنویّاً بعنوان - بل اخرج ذوات الأفراد - خرجت الشبهة عن كونها مصداقیّة، فإنّ معنی الشبهة المصداقیّة كون الفرد مشکوک الاندراج تحت عنوان الخاص، و مع عدم معنویّة الخاصّ یرجع الشکّ إلی الشکّ فی التخصیص الزائد»^۳

توضیح:

۱. اگر مخصّص لبی دارای عنوان نباشد (یعنی مثلاً شخص زید را از تحت عام خارج کرده باشد و نه اینکه گفته

باشد «عالم فاسق» را اکرام نکنید و ما زید را مصداق آن به حساب آوریم):

۲. در این صورت اصلاً ربطی به بحث ما (تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص) ندارد.

۳. چرا که بحث ما در جایی است که عنوان خاص مشکوک الانطباق بر یکی از افراد است

۱. لمحات الاصول، ص ۳۲۲

۲. مطارح الانظار، ج ۲، ص ۱۴۳

۳. لمحات الاصول، ص ۳۲۳

۴. و اگر اصلاً عنوانی در کار نیست، در حقیقت ما شک داریم که آیا زید از تحت عام خارج است یا نه؟ و این شک در اصل تخصیص زائد است (یعنی اصلاً آیا عام به زید تخصیص خورده است یا نه؟)

